

دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق و چشم‌انداز آینده در روابط دو کشور

محمد جعفر جوادی ارجمند

استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد نادری^۱

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت معلم تهران

مهدی داودی

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۰۱

چکیده

در میان کشورهای عرب منطقه خاورمیانه، عراق دارای بیشترین قرابت‌های فرهنگی و مذهبی با ایران است. تغییر حاکمیت در عراق وضعیت دوگانه‌ای از تهدید و فرصت را پیش روی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در این کشور قرار داده است. بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی جهت دستیابی به اهداف سیاست خارجی همواره محور مهمی در روابط میان کشورها بوده است. پررنگ شدن این ابزار در دهه‌های اخیر و تغییرات سیاسی در عراق پس از سال ۲۰۰۳ میلادی فرصت‌های جدیدی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است تا به گسترش و تحکیم مناسبات خود با عراق پرداخته و هر چه بیشتر از قرابت‌های فرهنگی دو کشور جهت تامین منافع ملی بهره‌گیری کند. بر این اساس، مقاله حاضر به بررسی دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق و چشم‌انداز آینده در روابط دو کشور می‌پردازد. چالش‌های پیش روی ایران: گروه‌های معارض سنی، کدورت‌های باقیمانده بین دو ملت ناشی از جنگ هشت ساله و در بعد منطقه‌ای، کشورهای عرب، رقیب ایران در تحولات داخلی عراق هستند. مقاله به این نتیجه می‌رسد مذهب تشیع مهم‌ترین اهرم نقش‌آفرینی ایران در عراق است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، سیاست خارجی ایران، شیعیان عراق، فرهنگ مذهبی

مقدمه

در تقسیم‌بندی ابزارهای سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ دو پایه اصلی در دیپلماسی بشمار می‌روند. از میان این دو، فرهنگ ابزاری نافذتر و منعطف‌تر است. در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، فرهنگ، ایدئولوژی و مذهب مهم‌ترین معیارهای تدوین و اجرای دیپلماسی می‌باشند. تنظیم سیاست خارجی ایران براساس معیارهای اسلام در مقدمه و اصول مختلف قانون اساسی بارها تکرار شده است:

- اصل دفاع از حقوق تمامی مسلمانان از اصل ۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی منتج شده است.
- تعهد برادرانه نسبت به تمامی مسلمانان برگرفته از اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی است.
- ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام در اصل ۱۱ قانون اساسی بیان شده است (سریع القلم، ۱۳۷۹، صص ۵۲-۵۴).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به روشنی ارجحیت‌های سیاست خارجی بر شمرده شده و در آن سه گروه از کشورهای دارای اولویت به ترتیب عبارتند از:

- ۱- همسایگان ایران
- ۲- کشورهای مسلمان
- ۳- کشورهای جهان سوم (Afrasiabi, 1994, pp.34-36).

در میان کشورهای عرب منطقه خاورمیانه، عراق دارای بیشترین قرابت‌های فرهنگی و مذهبی با ایران است. تغییر حاکمیت در عراق وضعیت دوگانه‌ای از تهدید و فرصت را پیش روی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در این کشور قرار داده است. حضور ۶۰ درصد از شیعیان در ترکیب جمعیتی و در ساختار سیاسی عراق بیشترین فرصت را برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است، تا با نفوذ مذهبی ضمن تقویت پیوندهای فرهنگی با مردم این کشور امکان افزایش مبادلات فرهنگی، تبادل زائران اماکن مقدس و فروش محصولات هنری و صنایع دستی را فراهم کند. در اقلیم کردستان عراق نیز به دلیل فرهنگ مشترک در زمینه آداب و رسوم، جشن‌های ملی و اعیاد مذهبی، ایرانی‌ها بویژه در مناطق کردنشین غرب کشور فرصت افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی، تبادل محصولات هنری و پاسداشت مشترک اعیاد ملی را به دست آورده‌اند.

سوال اصلی

مقاله حاضر ابتدا این سوال را مطرح می‌کند که فرصت‌های پیش روی دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق کدامند؟ این مقاله با بررسی دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق به تحلیل چالش‌هایی می‌پردازد که سیاست‌های فرهنگی ایران در این کشور با آن کم و بیش روبه‌رو است.

فرضیه پژوهش

فرضیه مقاله حاضر عبارت است از: مذهب مهم‌ترین ابزار دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق است.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است و نویسندگان در این مقاله با بررسی بسترهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی عراق درصددند با تحلیل راهکارهای حضور موثر ایران در جامعه مذهبی عراق بتوانند فرصت‌های موجود در این کشور جهت تحقق حداکثر منافع ملی ایران را تبیین کنند.



شکل شماره ۱: نقشه ایران و همایگان

منبع: <http://sarina390.blogfa.com>

۱- مبانی نظری

امروزه دیپلماسی فرهنگی را می‌توان نوع مدرن هدایای متقابل حاکمان دوران باستان به یکدیگر تعریف کرد. فرهنگ، راهبردی برای رهبران کشورها است، تا بتوانند ضمن اثبات قدرت خود روابط ماندگاری را با سایر کشورها برقرار کنند.

دیپلماسی فرهنگی می‌گوید: امروزه بیش از هر زمانی فرهنگ نقش حیاتی در روابط بین‌الملل بازی می‌کند. دیپلماسی فرهنگی به ما کمک می‌کند تا یک کانال ارتباط و گفتگو با کشورهایی که ارتباط سیاسی حداقلی با آنها داریم، ایجاد شود. دیپلماسی فرهنگی این توانمندی را دارد تا در سطح وسیعی جنبه‌های مختلف روابط را تحت تاثیر قرار دهد و بر خلاف دیپلماسی اقتصادی و نظامی که با محدودیت روبه روست، ابزار قوی ارتباط را فراهم کند (Bound and Briggs, 2007, pp.15-21). پیشبرد منافع ملی با به کارگیری ابزار فرهنگی ممکن است نتواند جایگزین سایر ابزارها (سیاسی- اقتصادی- نظامی) شود اما می‌تواند مکمل آنها باشد. امروزه حتی قوی‌ترین کشورها نیز ترجیح می‌دهند تا آنجایی که ممکن است، از شیوه‌های فرهنگی برای تامین منافع خود استفاده کنند.

استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی در تاریخ ایران سابقه طولانی دارد. ایرانی‌ها از طریق روابط فرهنگی و تجاری به گسترش اسلام در آسیای مرکزی و شرق آسیا مبادرت ورزیده‌اند. امروزه به باور بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران «فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی» یک رکن اصلی در روابط بین کشورها و در دیپلماسی بین‌المللی محسوب

می‌شود. دیپلماسی فرهنگی بخشی از دیپلماسی عمومی است که به فعالیت‌های فرهنگی یک کشور برای معرفی بهتر خود در عرصه بین‌المللی صورت می‌گیرد.

دیپلماسی فرهنگی می‌تواند پوششی برای دنبال کردن بسیاری از اهداف در عرصه بین‌المللی باشد (Report Of The Advisory Committee On Cultural Diplomacy, 2005, p. 1).

از دیدگاه نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز اعمال قدرت نرم^۱ است که به کشورها این امکان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها ترغیب به همکاری کنند (حسن‌خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷). مهم‌ترین مزیت‌های دیپلماسی فرهنگی را می‌توان اینگونه بیان کرد:

• مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد از کلیدی‌ترین مزایای دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شود.

• عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه در کنار جذابیت بیشتر و نامحسوس بودن و در نتیجه هدف قرار دادن ذهن و روح مخاطبان (همان، صص ۱۳۹-۱۳۸).

با تبیین مفاهیم فوق، دیپلماسی فرهنگی ایران می‌تواند در زمینه‌های زیر فعال باشد:

- ارائه ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ و تاثیرگذار جهان
- معرفی ترکیبی از اندیشه اسلامی و فرهنگ ایرانی
- تبلیغ سنت‌ها، باورها، تاریخ و آثار باستانی ایران به مردمان سایر کشورها (ملکی، ۱۳۸۷، ص ۸).

۲- پیشینه روابط فرهنگی ایران و عراق

عراق که در لغت به معنی کنار نهر یا دریا آمده، یکی از کشورهای بسیار مهم منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود که از نظر ژئوپلیتیکی، اقتصادی، امنیتی و نظامی دارای اهمیت زیادی می‌باشد. از دیرباز سرزمین عراق به دلیل برخورداری از عوامل ثابت و متغیر بسیار مهم ژئوپلیتیکی همواره مورد توجه قدرت‌های محلی و بین‌المللی قرار داشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره ۲: تقسیم‌بندی عراق

منبع: <http://irsubpedu.blogfa.com/post-45.aspx>

موقعیت جغرافیایی عراق به گونه ای است که به لحاظ بر خور داری از عوامل مختلف ژئوپلیتیک دارای بسترهای لازم برای ایفای نقش مؤثر در منطقه خاورمیانه و جهان می باشد (عزتی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹) جمعیت عراق در جولای سال ۲۰۰۴ معادل ۲۵/۳۷۴/۶۹۱ نفر برآورد شده که از این تعداد ۵۵ تا ۶۰ درصد را اعراب شیعه، ۲۵ درصد را اعراب سنی و ۱۵ الی ۲۰ درصد را اکراد تشکیل می دهند. تعداد مسیحیان در عراق نیز تا قبل از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی یک میلیون نفر و در حال حاضر حدود ۶۵۰ هزار نفر برآورد شده است. سرزمین عراق همواره در طول تاریخ از موقعیت ویژه ای برخوردار بوده است. تمدن سومر در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد و امپراطوری های بابل و آشور در ۱۳۵۰ سال قبل از میلاد در این سرزمین بوجود آمده اند.

در قرن ششم میلادی سرزمین عراق جزو قلمرو امپراتوری ایران بوده است. در قرن هفتم میلادی اعراب مسلمان با شکست دادن آخرین پادشاه سلسله ساسانی، سرزمین واقع بین دو رودخانه دجله و فرات را به تصرف خود درآوردند و این اراضی را بین النهرین نامیدند. بین النهرین قریب یکصد سال مرکز خلافت اسلامی شد و بغداد پایتخت آن از اعتبار خاصی برخوردار بود (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۹). بستر فرهنگی عراق به عنوان اهداف دیپلماسی فرهنگی شامل موارد زیر است:

- **کردها:** کردها یکی از اقوام کهن ایرانی هستند که در دامنه های کوه های آرات و زاگرس و در ایران، عراق، ترکیه و سوریه پراکنده شده اند، «ملا مصطفی بارزانی» از رهبران کرد عراقی در سال ۱۹۴۷ میلادی به منظور پیگیری سیاست های جدایی طلبانه، حزب دموکرات کردستان عراق را تأسیس کرد و موفق شد در اوایل دهه ۷۰ میلادی از دولت مرکزی عراق خود مختاری اخذ کند.

- **شیعیان:** حدود ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می دهند که اگرچه در دوران معاصر و در نظام حکومتی عراق، نقش مهمی در تصمیم گیری های سیاسی نداشته اند، اما علاوه بر نفوذ بر جامعه عراق تأثیرات فراوانی نیز در حیات فکری و رشد و پیشرفت علمی، اقتصادی و اجتماعی این کشور داشته اند. نفوذ روحانیون شیعی در عراق تا حدی بوده که علاوه بر حکام این کشور، سلاطین در ایران را نیز از خود متأثر ساخته اند زیرا شیعیان عراق

همواره با هم کیشان خود در ایران در ارتباط بوده و بسیاری از روحانیون شیعه ایران در عراق اقامت داشته‌اند. حضور امام خمینی(ره) در دوران تبعید در عراق از جمله نشانه‌های ارتباط تنگاتنگ شیعیان در دو کشور ایران و عراق است (فره‌مند، ۱۳۸۷، ص ۸).

بدون تردید هنگامی که تأثیر ژئوپلیتیکی ظهور عراق جدید در سطح منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است. به لحاظ ایدئولوژیک حدود ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که با ایران پیوند عمیق دارند.

در مورد شیعیان، قدرت یابی آنان در عراق جدید علاوه برآنکه چشم اندازه‌های جدیدی را برای احقاق حقوق بیشتر شیعیان در سایر کشورهای عربی ایجاد کرده، برای ایران نیز فرصت ساز بوده است. دستیابی شیعیان به قدرت در عراق ظرفیت‌های جدیدی برای تغییر ساختار قدرت و شکل‌گیری فرایندهای جدید امنیتی در سطح منطقه ایجاد کرده و الگوهای جدیدی برای تعامل دو کشور و روابط طرفین با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوجود آورده است.

تسلط شیعیان بر قدرت در عراق که به دلیل مشارکت سایر اقوام از تعادل مطلوبی برخوردار است، علاوه بر این که می‌تواند جوّ بی اعتمادی و تهدید را که در گذشته بر روابط دو کشور حاکم بوده از بین ببرد، ظرفیت ایجاد همکاری در چارچوب منافع مشترک را نیز دارد. در عراق بدون تردید وزنه ایران در مقابل آمریکا، سنگین‌تر خواهد شد (صالحی، ۱۳۸۸، ص ۱).

همچنین قدرت یابی اقلیت کرد، در عراق جدید که سال‌ها کشمکش و منازعه را با دولت بغداد پشت سر گذاشته و از روابط نزدیک با ایران برخوردارند، بر روند همگرایی و همکاری بین ایران و عراق تأثیر مثبت دارد. وجود اشتراکات زبانی و فرهنگی و مجاورت جغرافیایی در صورت مدیریت صحیح می‌تواند زمینه ساز فرصت‌های مناسب جهت همکاری و همگرایی بیشتر دولت‌های ایران و عراق باشد.





شکل شماره ۳: کربلا



شکل شماره ۴: نجف



شکل شماره ۵: مشهد



شکل شماره ۶: قم

۳ - حضور شیعیان در ایران و عراق

برای نخستین بار مذهب تشیع در عراق ظهور یافت و از آنجا به ایران منتقل شد. کوفه مرکز تشیع در قرن‌های اول، دوم، هفتم و هشتم بود و از آنجا به دیگر مناطق، از جمله بغداد و قم انتقال یافت. تشیع اصیل عراق در چهار مرحله روی تشیع ایران تأثیر گذاشته است:

۱. تأثیر تشیع قبیله اشعری در قم طی قرن‌های دوم و هشتم
 ۲. تأثیر تشیع بغداد (مکتب بغداد و سپس نجف) بر ایران طی قرن‌های پنجم، ششم، یازدهم و دوازدهم.
 ۳. تأثیر تشیع مکتب حله بر ایران طی قرن‌های هفتم، هشتم، سیزدهم و چهاردهم
 ۴. تأثیر تشیع نجف و جبل عامل بر ایران طی قرن‌های دهم و شانزدهم
- طی قرن‌های متوالی، تشیع به طور عمده در مرکز عراق از بغداد به سمت جنوب در شرق و غرب دجله و فرات تا جنوب این کشور به ویژه در شهرهای مقدس نجف، کربلا، کاظمین و سامرا گسترش یافته است (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۱).

درست پیش از دولت صفوی، تشیع در حال فراگیر شدن در عراق بود که دولت صفوی در این سوی تشکیل شد و با تسلط تدریجی دولت عثمانی بر عراق، راه نفوذ تشیع در آن بخش به خصوص شمال عراق مسدود شد. این زمان شیعیان به عنوان جاسوس دولت صفوی شناخته شده و در محدودیت کامل بودند. نجف در قرن نهم و نیمه اول قرن دهم، مرکزیت علمی برای شیعیان داشت. این زمان، علمای شیعه عرب، اکثریت را داشتند و دانشجویان شیعه عجم در محدودیت بودند. نخستین عالم برجسته دوره صفوی، یعنی محقق کرکی در نجف مستقر بود. اما دیری نپایید که به دلیل بروز مشکلات میان صفویان و عثمانیان، عراق برای عالمان شیعه ناامن شد و به تدریج این مرکزیت به ایران انتقال یافت (همان).

در دوره صفوی شیعیان به دلیل دستیابی به اکثریت و قدرت و آرامش و ثبات سیاسی در ایران، مراکز علمی خود را در این کشور بنا کرده و شهرهای تبریز، قزوین و در نیمه دوم این دوره، اصفهان مرکزیت علمی داشت. در دوره صفوی، بسیاری از زائران ایرانی از نواحی عشیره نشین جنوب عراق به سمت کربلا و نجف می رفتند. این رفت و آمدها که با هدف زیارت و گاه برای یافتن زمین کشاورزی صورت می‌گرفت، تأثیر مذهبی خود را بر روی عشایر باقی می‌گذاشت. پس از دولت صفویه تا دوره معاصر شهر نجف مهم‌ترین مرکز جهان تشیع و محل حضور

مرجعیت شیعه بوده است و مناطق جنوب و شرق عراق به دلیل حضور اکثریت شیعه محل تردد ایرانی‌ها و علمای مذهبی ایرانی تبار است. بسیاری از تحولات مهم رخ داده در ایران نظیر جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه از مراجع دینی مستقر در عراق تاثیر پذیرفته است.

ساختار قومی و مذهبی عراق از حدود ۸۰ درصد عرب و ۲۰ درصد غیر عرب (کرد و ترکمن) تشکیل شده است. از حدود ۸۰ درصد عرب، ۶۰ درصد شیعه و ۱۵ تا ۲۰ درصد آنها عرب سنی مذهب هستند. با این حال تا چند سال اخیر غالباً عرب‌های سنی بر عراق حکومت کرده اند. در دوره حکومت صدام حسین و حزب بعث و به ویژه پس از انقلاب اسلامی و بروز جنگ بین ایران و عراق، نفوذ سیاسی و ارتباط ایران با شیعیان عراق به شدت کاهش یافت (Ehteshami, 2003, p116). حمله امریکا و متحدانش به عراق، نه تنها موجب فروپاشی رژیم صدام حسین، بلکه موجب انحلال دولت سنی محور در عراق نیز شد. اکنون ایران بزرگ‌ترین متحد شیعیان عراق در منطقه است. این مساله تا حدودی نارضایتی گروه‌های سنی را به دنبال داشته است (Barzegar, 2006, pp79-80).

ویژگی‌های فرهنگی، نژادی، آداب و رسوم و تجربیات تاریخی، همراه با جهان بینی مذهبی بزرگ‌ترین گروه مذهبی عراق، راه را برای گسترش نفوذ سیاسی ایران در این کشور بیش از پیش باز می‌کند و همان طور که بیشتر کارشناسان می‌گویند، چنین فرآیندی بیش از هر چیزی، روندی عادی و طبیعی است. نفوذ سیاسی ایران در عراق موجب نگرانی آمریکا و کشورهای عرب منطقه شده است. در پی سقوط صدام و متلاشی شدن حزب بعث حجم زیادی از مبادلات فرهنگی و سیاسی بین دو کشور صورت پذیرفته است. روزانه تعداد زیادی از مردم ایران به زیارت اماکن مقدسه کربلا و نجف و تعداد زیادی از مردم عراق به زیارت مشهد و قم می‌روند. این موضوع احتمال شکل‌گیری یک ائتلاف با اکثریت شیعه در منطقه را تقویت کرده است. کشورهای عرب منطقه از تضعیف موقعیت سنی‌ها در عراق نگران هستند و همواره نفوذ ایران را به عنوان تهدیدی علیه امنیت عراق و گروه‌های سنی مذهب این کشور می‌دانند. در حالی که ظهور شیعیان و کردها در عراق در جهان عرب به عنوان تهدید نسبت به هویت عربی عراق و با تأثیرات بی‌ثبات‌کننده در منطقه تلقی شده، برداشت از تغییرات در ایران و ترکیه متفاوت بوده است. خودمختاری کردها در عراق جدید نگرانی‌هایی برای مطالبات مشابه در میان اقلیت بزرگ کرد در ترکیه به وجود آورده در حالی که نگاه ایران به تحولات سال‌های اخیر عراق بیش از پیش خوش بینانه است، چون به دهه‌ها دشمنی و عدم اعتماد پایان داده و مقدمه‌ای برای برقراری رابطه ای نزدیک تر و دوستانه تر با عراق محسوب می‌شود (Wright, 2005).

چشم‌انداز ظهور یک عراق تحت کنترل شیعیان در شمال غربی خلیج فارس که روابط و پیوندهای نزدیکی با ایران داشته باشد، نگرانی عمده‌ای در جهان عرب ایجاد کرده است (Moran, 2005, p.12). ایران شاید تنها کشور منطقه باشد که تحولات در عراق جدید را مثبت تلقی می‌کند. ایران از همان آغاز با استفاده از فرصت پیش آمده به حمایت از دولت جدید عراق پرداخت، رهبران این دولت از زمان مبارزه علیه رژیم سرکوبگر صدام حسین در میان متحدین ایران جای داشتند. این در حالی بود که سایر کشورهای عرب منطقه - به جز سوریه - در جبهه‌ای دیگر به رژیم صدام کمک می‌کردند. در حال حاضر، امنیت و ثبات عراق جدید در زمره اولویت‌های دولت ایران به حساب

می‌آید. از دیدگاه ایران، یک عراق ناامن با جذب تروریست‌ها و دادن بهانه به دست نیروهای خارجی جهت تداوم حضور خود در این کشور - امری که مخالف با سیاست‌های ایران است - پیامدهای منفی در برخواهد داشت. همچنین عراق جدید به یکی از دروازه‌های اصلی ایران به سوی جهان عرب تبدیل شده است. تهدیدهای امنیتی در عراق جدید، افراط گرایی قومی، اختلافات مذهبی و تأثیرات مخرب بی ثباتی و رقابت‌های مذهبی را وارد عصر جدیدی کرده است.

افزایش مشارکت شیعیان در عراق جدید یک فرصت مغتنم برای سیاست خارجی ایران است، که در گذشته - به دلیل تضعیف شیعیان از جانب حزب بعث - فراهم نبود. واقعیت این است شیعیان عراق هیچ متحد طبیعی و دولتی در منطقه جز - ایران - ندارند، از اینرو به باور شیعیان عراق، ایران می‌تواند دارای نقشی قوی و موثر در ایجاد تعادل به نفع شیعیان باشد (Barzegar, Op.cit., pp.78-79). در سال‌های اخیر ایران و عراق پس از دهه‌ها دشمنی و عدم اعتماد، این فرصت را پیدا کرده اند نگاه خود را بیشتر به سمت مسائل داخلی معطوف کرده و به برنامه‌های توسعه اقتصادی خود اولویت داده و از منافع بالقوه تجاری و ترانزیتی خود در منطقه کمال استفاده را ببرند. همچنین عراق جدید به عنوان دوست نزدیک ایران و نیز ایالات متحده آمریکا می‌تواند در عادی سازی روابط خصمانه ایران و آمریکا نقش مثبت و سازنده داشته باشد (Iran Flexes its "Soft Power" in Iraq, 2005).

۴ - شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق

عراق از مهم‌ترین همسایه‌های ایران و ایران، موثرترین همسایه عراق است. بسیاری از عراقی‌ها تولد و زندگی‌شان در ایران است و بسیاری از ایرانی‌ها نیز محل تولدشان در عراق است. روابط ملت‌های ایران و عراق روابط بسیار دیرینه‌ای است.

در دوره ساسانیان، عراق را «دل ایرانشهر» می‌نامیدند، بغداد نامی پارسی به معنی خداداد است (بغ به معنی خدا)، تیسفون یا تیسفون یکی از مراکز تمدن ایران بزرگ در دوران هخامنشی (۵۲۸ پیش از میلاد) و پایتخت شاهنشاهی اشکانی (۲۴۷ پیش از میلاد) بوده و سلمان فارسی در حومه تیسفون اقامت داشته است. در طول تاریخ، تأثیر متقابل زبان‌های عربی و فارسی بر یکدیگر، آثار ادبی بزرگی خلق کرده و موجب غنای ادبیات عرب و زبان فارسی شده است. عراق، وارث تمدن باستانی بین‌النهرین است که مادر تمدن‌ها نام گرفته و ایران از مراکز دیرینه تمدن جهانی است که از دیرباز با تمدن بین‌النهرین تعامل و تبادل داشته است. علاوه بر این، تمدن بعد از اسلام عراق بر باقیمانده تمدن قبل از اسلام ایران مستقر شده است. مدائن همواره از حوزه‌های تمدن و فرهنگ ایرانی محسوب شده و حضور و ادامه حیات قوم کرد به عنوان یکی از اصیل‌ترین اقوام ایرانی و ارتباطات کردهای ایران و عراق، نمونه‌ای از اشتراک‌های فرهنگی دو کشور است.

از نقطه نظر مذهبی، بخش مهمی از هویت شیعی ایرانی‌ها در عراق قرار دارد و شیعه به عنوان مذهب رسمی و تاریخی اکثریت قاطع مردم ایران، بدون نجف اشرف و کربلای معلی قابل تعریف نیست. حضور پیوسته علمای ایرانی در حوزه نجف و نقش آنان در تشکیل حوزه فقهی شیعی در عراق را نمی‌توان انکار کرد. از دوره حیات عالم بزرگ دینی و بنیانگذار حوزه نجف، مرحوم شیخ طوسی بیش از یک هزار سال می‌گذرد، حضور دانشمندان ایرانی و ایرانی-عراقی در طول این هزاره، امری جاری و تأثیرگذار بوده است. نگاهی به حضور علمای بزرگی چون سید

محمد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی، علامه امینی نگارنده الغدیر، آیت الله العظمی خویی و سایرین در قرن اخیر شاهد خوبی بر این مدعا است.

ایران و عراق را، از یک سو سابق مشترک تاریخی و فرهنگی و از سوی دیگر اشتراکات مذهبی به هم پیوند داده است، چنان که این پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی می‌توانند با درایت مسوولان دو کشور و در سایه تبادل هیات‌های فرهنگی پشتوانه محکمی برای تحکیم مناسبات سیاسی باشند (ایران و عراق در مسیر توسعه مناسبات فرهنگی، ۱۳۸۷). دستیابی شیعیان به قدرت در عراق ظرفیت‌های جدیدی برای تغییر ساختار قدرت و شکل‌گیری فرایندهای جدید امنیتی در سطح منطقه ایجاد کرده و الگوهای جدیدی برای تعامل دو کشور ایران و عراق و روابط طرفین با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوجود آورده است.

دستیابی شیعیان به قدرت در عراق که به دلیل مشارکت سایر اقوام از تعادل نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده، علاوه بر این که می‌تواند جوّی اعتمادی و تهدید را که در گذشته بر روابط دو کشور حاکم بوده را از بین ببرد، ظرفیت گسترش همکاری‌ها در چارچوب منافع مشترک را نیز دارد. اعلام آمادگی دولت عراق برای حل و فصل مسایل مرزی و اقداماتی جهت اخراج اعضای گروهک تروریستی منافقین از این کشور، گام‌های اولیه‌ای هستند که می‌تواند به ایجاد ساز و کارهای مشترک و برقراری ترتیبات جدید امنیتی و نظامی منجر شود. بسیاری از مردم عراق خواستار روابط پایدار و مسالمت‌آمیز با ایران هستند، از نگاه شیعیان عراقی علایق مذهبی در اولویت قرار داشته و آنان را قادر می‌سازد تا شهرهای مقدس مشهد و قم را زیارت کنند. در تابستان سال ۲۰۰۶ میلادی روزانه ۳۰۰۰ زائر از طریق کنسولگری ایران در بغداد، بصره و نجف برای زائران عراقی صادر شده است، تا آنها ضمن زیارت اماکن مذهبی از سایر مکان‌های توریستی ایران نیز بازدید کنند (Barzegar, Op.cit,p5).

قدرت‌یابی اقلیت کرد در شمال عراق جدید که سال‌ها کشمکش و منازعه را با دولت بغداد پشت سر گذارده‌اند و از روابط نزدیک و دوستانه‌ای با ایران برخوردارند، بر روند همگرایی و همکاری بین ایران و عراق تأثیر مثبت دارد. گرچه طی قرن گذشته عواملی نظیر اوضاع نامطلوب اجتماعی و اقتصادی و فقدان مشارکت سیاسی کافی افراد، موجب واگرایی این قوم از دولت‌های مرکزی دو کشور ایران و عراق شده است، اما وجود اشتراکات زبانی و فرهنگی و مجاورت جغرافیایی در صورت مدیریت صحیح می‌تواند زمینه ساز فرصت‌های مناسب جهت همکاری و همگرایی بیشتر دولت‌های ایران و عراق باشد.

در حال حاضر به نظر می‌رسد با وجود حضور افراد در صحنه سیاسی عراق و مشارکت آنان در قدرت و توجه جمهوری اسلامی ایران به توسعه و آبادانی مناطق مرزی، بستر همگرایی دو کشور بیش از پیش فراهم شده است. حضور ایران در بازارهای اقتصادی عراق، تشکیل بازارچه‌های مرزی، تأسیس مناطق آزاد تجاری و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در ایران و اعطای خودمختاری به کردها در عراق می‌تواند فرصت‌هایی برای همکاری بیشتر طرفین فراهم آورد (صالحی، پیشین، ص ۱۷). در ابتدا آمریکا تصور نمی‌کرد که نفوذ ایران بر عراق در حدی باشد که بتواند سیاست‌های این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. اما هم‌زمان با شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و سیاسی در عراق جدید که از گروه‌های قومی و فرقه‌ای تبعید شده زمان صدام حسین تشکیل شده‌اند، نقش و نفوذ ایران برای مقام‌های آمریکایی نمایان شد. در این رابطه اکثر شیعیان عراق پیوندهای عمیقی با ایران دارند به گونه‌ای که ایجاد

فضای باز سیاسی و برگزاری انتخابات برای تشکیل دولت عراق موجب شد که با وجود تبلیغات و تلاش‌های آمریکا، شیعیان طرفدار ایران در این کشور به قدرت برسند.

یکی از مهم‌ترین دلایل نفوذ ایران، قرابت‌های قومی و فرقه‌ای میان شیعیان عراق و ایران و ارتباط قومی کردهای دو کشور است. در این رابطه باید توجه ویژه داشت که در دوران رژیم دیکتاتوری صدام، ایران میزبان مخالفان و تبعیدیان عراق بود که اکنون حاکمان این کشور هستند. در واقع یکی از دلایل داخلی خصومت‌های صدام، علاوه بر توسعه‌طلبی و تحریک قدرت‌های خارجی که منجر به شعله‌ور شدن جنگی هشت ساله شد، نفوذ و ارتباط رهبران قومی و مذهبی این کشور با ایران بود. با سقوط صدام، نفوذ ایران در منطقه جنوب عراق با توجه به روابط اقتصادی و حجم فزاینده تجارت میان دو کشور و حضور زائران ایرانی در اماکن مقدسه عراق، به سرعت افزایش یافته است (Petraus, 2007). بر این اساس و با وجودی که آمریکا همواره تلاش داشته نقش ایران را در عراق کم اهمیت جلوه دهد، در عمل شاهد تضعیف قدرت و نفوذ خود و افزایش قدرت و نفوذ ایران در نهادهای سیاسی و اجتماعی عراق جدید بوده است.

اکنون احزاب منتقد و بسیاری از کارشناسان در آمریکا می‌گویند: دولت آمریکا با صرف هزینه‌های عظیم مالی و انسانی، موجبات موفقیت و پیروزی ایران را در عراق فراهم کرده، به گونه‌ای که هم دشمن دیرینه ایران - صدام حسین - سرنگون شده و هم نیروهای مورد حمایت ایران قدرت سیاسی عراق را به دست گرفته اند.

نتیجه‌گیری

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، ایران در دوره عراق جدید، موثرترین بازیگر منطقه ای محسوب می‌شود - گرچه طی دهه‌های گذشته عراق برای ایران همواره یک تهدید امنیتی به شمار می‌رفته است - از دیدگاه ایران، بخش عمده‌ای از تهدیدات معطوف به امنیت ملی این کشور از ناحیه عراق و حزب بعث حاکم بر آن ناشی می‌شده است اما فروپاشی رژیم صدام و شکل‌گیری یک نظام سیاسی دموکراتیک و مبتنی بر مشارکت تمامی اقوام عراقی در ساختار قدرت و به ویژه راه‌یابی گروه‌های شیعی در بالاترین سطح حاکمیت، شرایط جدیدی را ایجاد کرده که می‌تواند به پایان یافتن همیشگی تهدیدات امنیتی عراق برای ایران و حتی تبدیل این کشور به یک شریک اقتصادی و سیاسی مطمئن منجر شود. این فرصت تاریخی، ایران را به سوی حمایت همه جانبه از حاکمیت جدید عراق از سال ۲۰۰۳ میلادی ترغیب کرده و به رغم عدم حمایت و حتی کارشکنی اغلب کشورهای منطقه در قبال حاکمیت عراق جدید و فقدان مشارکت آن‌ها در روند امنیت سازی در این کشور، ایران سطح بالایی از توان و همکاری خود را برای حمایت از عراق جدید و ایجاد ثبات و امنیت در این کشور بسیج کرده است. جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر کمک‌های اقتصادی و حمایت‌های همه‌جانبه سیاسی و فرهنگی از عراق جدید به عمل آورده است و با توجه به روابط عمیقی که طی سه دهه گذشته با اقوام مختلف عراقی اعم از شیعه، سنی و کرد داشته، در جهت ثبات سازی در این کشور تلاش می‌کند. همسایگی، مناسبت‌های تاریخی و فرهنگی و دیگر پتانسیل‌های بالفعل و بالقوه دو کشور از جمله دلایل مهمی است که دولتمردان جمهوری اسلامی ایران و عراق را متمایل کرده سطح روابط دو جانبه را گسترش داده و از منافع آن ملت‌های خود را بیش از پیش بهره‌مند کنند.

تاکید بر حفظ تمامیت ارضی عراق و نیز حمایت از روند دموکراسی در این کشور می‌تواند تامین و تضمین‌کننده منافع ملی ایران به عنوان بزرگ‌ترین همسایه این کشور با بیشترین اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی باشد. همچنین تعامل همه‌جانبه در زمینه‌های امنیتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راستای تامین منافع ملی ایران است.

حضور اکثریت شیعیان در بافت جمعیتی عراق و در ساختار حاکمیت این کشور به خودی خود یک توان‌مندی قوی برای دیپلماسی فرهنگی ایران است. پیوندهای قومی و زبانی کردهای عراق با کردهای ایران و داشتن آیین‌ها و رسوم مشترک، بستر مناسبی پیش‌روی دیپلماسی فرهنگی ایران قرار داده است. تردد انبوهی از زائران ایرانی و عراقی در داخل مرزهای دوکشور چشم‌انداز مطلوبی را ارائه می‌دهد. بسیاری از مراجع شیعه ایرانی طی سال‌های اخیر فعالیت‌های خود را در نجف و دیگر شهرهای مذهبی عراق گسترش داده‌اند.

دستیابی به منافع بیشتر از طریق دیپلماسی فرهنگی جز با برنامه‌ریزی و افزودن بر حجم سرمایه‌گذاری‌ها میسر نخواهد شد. در کنار فعالیت‌های مذهبی، ایران بایستی مبادلات دانشگاهی خود با عراق را افزایش و برای شهروندان عراقی تسهیلات بیشتری جهت بازدید از ایران فراهم کرده و زمینه رفت و آمد در مناطق کردنشین را با هدف تقویت پیوندهای فرهنگی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی بیشتر بوجود آورد.

سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فرهنگی می‌تواند زخم‌های باقی مانده از دوران جنگ هشت ساله را ترمیم و از تنش‌های امنیتی و بروز اختلافات مرزی در آینده پیشگیری کند. پرهیز از هرگونه تنش در روابط دو کشور بایستی همواره اولویت اول ایران در سیاست‌گذاری‌ها باشد. عراق همچنین می‌تواند بازار مناسبی برای تجار ایرانی باشد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عراق بازدهی فراوانی در پی دارد.

عراق دموکرات و توسعه یافته می‌تواند منافع بسیاری برای ایران داشته باشد. حمایت ایران بایستی منحصر به شیعیان این کشور باشد چرا که از دیدگاه اقوام دیگر دخالت محسوب شده و هزینه ساز خواهد بود. ایران بایستی از نفوذ خود برای برقراری امنیت در این کشور استفاده کرده و عملیات‌های تروریستی در این کشور را محکوم کند. ایران بایستی برای خروج هرچه سریع‌تر اشغالگران از عراق - که تهدیدی بالقوه برای ایران محسوب می‌شوند - تلاش‌های دیپلماتیک خود را با هدف اقناع افکار عمومی جهانیان و مجامع و سازمان‌های بین‌المللی افزایش و از دادن هر نوع بهانه به اشغالگران حاضر در عراق خودداری کند.

منابع

احمدی، حمید (۱۳۷۷). ریشه‌های بحران خاورمیانه. تهران: انتشارات مؤسسه کیهان،

جعفریان، رسول (۱۳۸۵). تعامل مذهبی ایران و عراق در دو قرن اخیر، ۲۹ آذر. قابل دسترسی در سایت:

<http://www.historylib.com>

حسن خانی، محمد (۱۳۸۴). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، پاییز و زمستان.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، فصلنامه سیاست، شماره ۴، زمستان.

صالحی، محمد. خاورمیانه، عراق جدید و ایران، ۸۸/۰۳/۲۵، قابل دسترسی در سایت:

<http://islamworld2020.persian.ir>

عزتی، عزت‌ا... (۱۳۸۱). تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه،

فرهمند، بهزاد (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک شیعه و چالش‌های فرارو، روزنامه مردم سالاری، ۸۷/۹/۲۸،

ملکی، عباس (۱۳۸۷). مفاهیم جدید در دیپلماسی فرهنگی، روزنامه آفتاب یزد، ۳ فروردین.

Barzegar, Keyhan, Iran and The New Iraq: Security Challenges Foreign Powers, Turkish Journal Of International Relations, Vol.5, No.3, Fall 2006.

Bound, Kirsten, Rachel Briggs, John Holden, Samuel Jones, "Cultur Diplomacy", Demos Publish, London, 2007.

Culture Diplomacy The Linchpin Of Public Diplomacy, Report Of The Advisory Committee On Cultural Diplomacy, U.S. Department Of State, September 2005, www.state.gov/documents/organization/54374.pdf.

Ehteshami, Anoushiravan, Iran- Iraq Relation After Saddam, The Washington Quarterly Autumn 2003.

Iran Flexes its "Soft Power" in Iraq", The Christian Science Monitor, May 20, 2005.

Moran, Michael, The Arab League and Iraq, The Council on Foreign Relations, October 20, 2005.

Petraeus, General David H. Commander, Multi-National Force-Iraq Joint Hearing of the U.S. House of Representatives Committee on Foreign Affairs and the Committee on Armed Services, September 10, 2007.

Afrasiabi, Kaveh.L, After Khomeini, New York: West View Press, 1994.

Wright, Robin, Bigger Hurdles for U.S. in Iraq's Next Phase, Washington Post, December 18, 2005.

منابع اینترنتی

ایران و عراق در مسیر توسعه مناسبات فرهنگی، ۲ مرداد ۱۳۸۷، قابل دسترسی در سایت: تاریخ مشاهده (۲ مرداد ۱۳۸۷)

<http://www.jamejamonline.ir>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی